

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر محمد هاشم رائق
ورجینیا- اضلاع متحده امریکا
17 نومبر 2011

برگِ خزانى

این برگ که سرگشته ز ایام خزان است
چون برق رود قافله عمر به سرعت
یک روز رسد آخر هر کار به پایان
توصیف ندارد غم بیهوده دنیا
گر باز رسد شاهد مقصود به آغوش
تا بار دگر گُل به گلستان که بیارد؟
آتش به کجا هست که سوزد دل و جانم
آن آتش عشق است که سوزد سر و پارا
امروز مگو باز که فردا چه بیارد؟
دلبر چه کنم گوش ندارد به فغانم؟
از چهره زردش غم دوران عیان است
زین شیوه همه عالم هستی هراسان است
چیزی که به پایان نرسد سود و زیان است
"چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است"
گل موج زند گرجه که ایام خزان است
بلبل ز غم هجر به صد شور و فغان است
خاکستر من داغ ز سوز دگران است
این شعله پنهان شده صد دل و جان است
در فصل بهاران قصه باد خزان است
زین غصه دل عاشق مسکین نگران است

"رائق" چه کنی شکوه ز رفتار زمانه

این عادت دیرینه ارباب زمان است